

سرتق

سالنامه ۱۳۹۸

آخرین سال دولت روحانی، سخت‌ترین سال دولت است / سرنوشت ایران و آمریکا در نبرد
 برجام چه می‌شود / با پیروزی برنی سندرز در انتخابات ریاست جمهوری اوضاع در جامعه
 آمریکا تغییر خواهد کرد / عنوان توده آب به کاسپین تحقیرآمیز است / ورود سی‌دی؛ آغاز
 قاچاق فیلم در ایران / آیا اصولگرایان همه‌کاره ایران در سال ۹۹ و ۱۴۰۰ هستند / وحشت از
 کرونا جهان را دربر گرفت / شورای نگهبان برای کنترل دولت‌ها شکل گرفت / ملت از خود
 بیزار به مرحله هشدار رسیده است / برنامه ایران پس از پیروزی انتخاباتی چه خواهد بود /
 پرونده قتل همسر دوم علی‌نقی‌زاده / علی نجفی چه سرانجامی دارد / گنجینه‌های
 غیرممکن است علی‌نقی‌زاده را در / عادی‌چینی کاری بکند / را دربر
 گرفته است / حرکت از / گی به زندگی کارمندی / ای شورا
 دام می‌چیند / محاسبان / می‌اوج می‌گیرند / ماه تلخ
 باید دنیایت را عوض کند / آه عبور از چالش اعتراضات
 فوتبال را از ایران فراداد / ایران در دام تعادل
 تلخ روحانی و اصولگرایان / سادگی شش‌ماهه ۳۹۸
 رشد منفی را نشان داد / جامعه می‌تواند تاب
 دهد / اعتراضات / جهان را هدف قرار
 نمی‌تواند ناچار / کار باشد / تمام
 به صورت / نال باشد یا
 امروز با / بن از خرد / مشغول
 چیست / امل رفتن /
 بسط / دارد؛ اما / ز
 و سه‌هفتاد / سال ۹۹ / خلاقیت / ایر
 است / رو / ان صریح و حقیقت / عدود
 را دربر گرفت / ضای رفتن به سمت مرید / رچی
 سینماگر با / عاطفش بدون واسطه حرف / آیا ام / میانجیگری متمرثمثری بین ایران
 و آمریکا وجود خواهد داشت / سردار سلیمانی در همه این سال‌ها به‌عنوان دیپلمات نیز
 در منطقه حضور داشته است / اعتراض‌های خیابانی که در کشورهای عربی رخ داد، در
 نارضایتی‌های عمومی ریشه دارد / نیویورک از واشنگتن مهم‌تر است؛ آی‌کاش در واشنگتن
 و نیویورک نمایندگان داشتیم / افکار عمومی هنوز در انتظار پاسخگویی به سقوط هواپیمای
 اوکراینی با ۱۷۶ مسافر است / ایران پس از سه سال دوباره به لیست سیاه برگشت / چرا هر
 کسی وارد سازمان تربیت بدنی می‌شود، بعد از مدتی کاندیدای ریاست جمهوری می‌شود /

واکنش خارجی به انعطاف داخلی دو خط موازی



زینب اسماعیلی سیوری

او به ماجرای واکنش بین‌المللی به توافق سعدآباد در سال ۲۰۰۴ نیز اشاره کرد و آنچه نتیجه‌اش شد: تغییر دولت از اصلاحات و گفت‌وگوی تمدن‌ها به دولت محمود احمدی‌نژاد که رویکردی متفاوت با جهان را دنبال می‌کرد. از مهر ۹۳ تا تیر ۹۴ فرصتی بود که بالاخره مذاکرات هسته‌ای به نتیجه رسید و به دنبال آن، با فضای امیدی که در کشور ایجاد شده بود، انتخابات پارلمانی اشاره‌شده از سوی ظریف نیز با پیروزی امیدی‌های حمایت‌شده از سوی اصلاح‌طلبان برگزار شد. اما ورق برگشت؛ وقتی ترامپ از برجام خارج شد، تحریم‌ها را بازگرداند و وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشور با مسائل متفاوت و گمراه‌کننده مواجه شد. دونالد ترامپ نیز دنبال حل مسائل داخلی کشور خودش است؛ مسائلی از آن دست که به جمهوری خواهان نشان دهد او پای توافقی که دموکرات‌ها به دستش آورده‌اند، نمی‌ماند. با همه این اوصاف، باید این جمله محمدجواد ظریف در همان جلسه مهر ۹۳ را برای آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها تکرار کرد: «جامعه بین‌المللی، به‌ویژه غرب، باید در پیامی که می‌خواهد به ایران منتقل کند، بسیار دقت کند. باید دید تعامل از جانب ایران و تلاش ایران برای بازبودن و نگاه به آینده داشتن، با پاسخ مثبت مواجه می‌شود یا اینکه بار دیگر رد می‌شود».

این شمای گردونه‌ای است که در آن به بند افتاده‌ایم؛ تعامل نمی‌کنیم و نمی‌کنیم و زمانی که تعامل می‌کنیم، با واکنش چندان مثبتی مواجه نمی‌شویم؛ آن‌گاه دوباره در فضای داخلی درگیر بحران‌های موازی و بحث بر سر این رویکرد یا آن رویکرد می‌شویم. سال ۹۸، بحران‌های کم‌وبیش زیادی داشتیم که هرکدام می‌تواند در بهبود یا تخریب فضای رابطه ایران با جهان تأثیر بگذارد؛ از حوادث آبان تا ترور سردار سلیمانی، حمله به پایگاه آمریکایی در عراق و البته ساقط شدن هواپیمای اوکراینی که آخرین آن نقطه عطفی خواهد بود در تعامل‌های بین‌المللی. امید که گام‌هایی با تأمل بیشتر و عاقلانه‌تر برداشته شود.

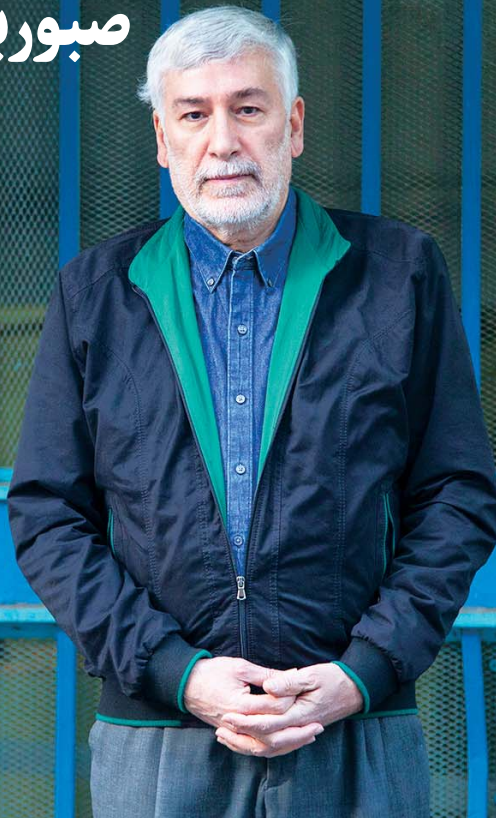
در روزهای آغازین سال ۹۹ می‌خواهم روایتی از چند سال گذشته را مرور کنم؛ مهر ۹۳؛ زمانی که مردم کشور، اقتصاد و دولتمردان مشتاقانه دنبال دستیابی به توافق هسته‌ای با کشورهای ۵+۱ بودند، اما در هر نوبت مذاکره ایران با ۵+۱ گرهی در کار می‌افتاد. هفتم مهر ۹۳، در روزهای برگزاری شصت‌ونهمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک، محمدجواد ظریف که آن روزها بی‌باکانه‌تر در مجامع سخن می‌گفت، از فرصت پاسخ‌دادن به پرسشی که او را با شتاب به اظهارنظر در حوزه داخلی پرتاب می‌کرد، استفاده و واقعیتی تاریخی را گوشزد کرد. آن واقعیت درباره واکنش‌های خارجی به انعطاف داخلی ایران بود و این نکته که اگر از فرصت انعطاف ایران استفاده نشود، فضای داخلی ایران دیگر این فرصت را تکرار نخواهد کرد. سؤالی که از ظریف پرسیده شد، این بود: «آیا شکست در مذاکرات هسته‌ای، بر سیاست خارجی ایران تأثیرگذار خواهد بود؟ اگر بله، چگونه؟ تأثیر این شکست بر سیاست داخلی چگونه؟». جمله ظریف در پاسخ این بود: «بی‌تردید همین‌طور است؛ زیرا ما روندی را شروع کرده‌ایم که هدف از آن، تغییر فضای سیاست خارجی کشور است. اگر با وجود تلاش‌های ما برای تعامل، این تلاش‌ها بی‌نتیجه بماند، مردم ایران این فرصت را خواهند داشت تا ۱۶ ماه دیگر که انتخابات پارلمانی در ایران برگزار می‌شود، به این عملکرد ما (با آرای خود) پاسخ دهند».



نگاهی به سال ۹۸ و نمای پیش رو در گفت‌وگو با عباس ملکی، کارشناس ارشد روابط بین‌الملل

صبور باشید؛ ققنوس ایران دوباره برمی‌خیزد

زینب اسماعیلی سیوری



عکس: مهرداد ناک، شرق

هر مصاحبه‌ای یک تجربه ناب است؛ به‌ویژه وقتی مصاحبه‌شونده آمیخته‌ای از تجربه، علم و آگاهی باشد. وقتی عباس ملکی به پرسشی درباره تنش تهران- واشنگتن پاسخ می‌دهد، جوابش با علم به شرایط موجود، فرهنگ ایرانی و اسلامی و با اطلاع از وضعیت امروز جهان است. وقتی جواب سؤالی درباره رابطه با دیگر کشورها را می‌دهد، نگاهش از فراز و فرود بازار انرژی غافل نیست و...
با استاد دانشکده انرژی دانشگاه شریف و دیپلمات اسبق وزارت خارجه درباره سیاست خارجی، هوایم‌ای اوکراینی و نحوه برخورد حاکمیت سخن گفتیم. عباس ملکی، عضو تیم مذاکره‌کننده قطع‌نامه ۵۹۸، عضو اولین تیم مذاکرات خرز و بعدتر رئیس مرکز مطالعات وزارت خارجه بوده است. او هنوز در جلسات مشورتی وزیر خارجه حضور دارد و از مشورت‌دهی در این حوزه دریغ نمی‌کند. عصر یک روز زمستان درحالی‌که هنوز غم سقوط هوایم‌ای اوکراینی بر دل‌ها سنگینی می‌کرد، گفت‌وگو را انجام دادیم. باین حال او به آینده و بهبود اوضاع امیدوار است؛ اما برای دستیابی به حال خوب، پیشنهادهایی دارد که می‌توانید در این مصاحبه بخوانید.



هم با طبقات اجتماعی و لایه‌های مختلف طوری رفتار می‌کنند که بتوانند بیشترین منافع را در روابط بین‌الملل داشته باشند. اگر این سه را در کنار هم بگذاریم، به نظر سقوط هوایم‌ای ۷۵۲ هوایم‌ای اوکراینی مهم‌ترین مسئله در سیاست خارجی ایران است؛ یکی اینکه مردم ایران داغدار شدند و مورد عجبی که دیدم این بود که انگار از هر فرد ایرانی، یک نفر در این هوایم‌ای بوده است. تا امروز کسی را ندیده‌ام که بگوید من با این هوایم‌ای فاصله داشته‌ام؛ از هر رده و طبقه‌ای و به‌خصوص کسانی که در کار دانشگاهی بوده‌اند.
نکته دوم درباره انعکاس این موضوع و عکس‌العمل‌هایی بود که یک دولت ملی در این مسئله انجام داد و مسئولیت‌هایی که دولت در برابر اتباع خودش و اتباع دیگر کشورها دارد. تا قبل از این مسئله، ما کشوری با کارنامه خوب بودیم؛ مثلاً خاترم می‌آید در حمله دوم آمریکا به عراق که به صدام حسین فشار می‌آورد، صدام به کردهای عراق فشار می‌آورد و وزارت کشور ایران دستور داده بود به هیچ کردی اجازه عبور از مرزها را ندهید. یادم می‌آید تا ۵۰۰ هزار نفر آمدند. مسئولان مرزرداری می‌گفتند وقتی می‌بینیم خانمی با چند بچه به مرز می‌آید، با بخش‌نامه

🔴 سال ۹۸ رو به اتمام است؛ سالی که حوادث زیادی در عرصه داخلی یا سیاست خارجی تجربه کردیم. به نظر شما چه اتفاقی در سال ۹۸ به تحولات سال پیش‌رو جهت می‌دهد؟

بین نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل و سیاست خارجی، این تعبیر معروف است که سیاست خارجی ادامه سیاست داخلی است. هر کشور، سیستم و دولتی دیدگاه‌ها، بینش‌ها، مأموریت‌ها و اهدافی دارد که سیاست خارجی خود را مطابق آن شکل می‌دهد. نکته دوم اینکه کشورها نیز مثل انسان‌ها هستند. از دیدگاه رفتاری، کشورها بعضی حسود هستند، بعضی عصبانی می‌شوند، برخی طمع دارند و برخی آرام هستند که در این مورد، کتاب خوبی از رابرت جرویس ترجمه کرده‌ام که بزرگ‌ترین نظریه‌پرداز روابط بین‌الملل از دیدگاه رفتاری است و همین بحث‌ها را در آن کتاب مطرح می‌کند.

سومین نکته این است که اگر بپذیریم قواعد رفتاری بر سیاست بین‌الملل حاکم است، به این نتیجه می‌رسیم که همان‌طور که یک انسان به لحاظ عقلایی هیچ‌وقت کار غیرمعمول و پر از رنج و محنتی برای اندام بدنش نمی‌کند، کشورها

به این فکر می‌کنید که اگر در ایران بود، چقدر خوب بود؛ حتی کتاب، موضوعات فلسفی و علمی یا جنگل، کوه، رودخانه. ما ایرانی‌ها این‌گونه هستیم.

❖ خیلی از مردم منتقد نحوه برخورد دولت و حاکمیت با موضوع هوایم‌ای اوکراینی از زمان اطلاع‌رسانی تا اتفاقات بعد و اعتراض‌های مردم شدند. به نظر کدام برخورد و اشتباه باعث شد جامعه ایرانی این‌گونه معترض شود؟ دروغ؟ دیرگفتن؟ خطاهایی که روی هم تلنبار شده بود؟ چطور می‌شد این موضوع را بهتر مدیریت کرد؟

به دلیل اینکه از خانواده من هم در هوایم‌ایا بودند، ساعت ۷:۳۰ صبح به محوطه‌ای که این اتفاق افتاده بود، رسیدم. صحنه‌های عجیبی بود؛ اشیا و اجسام، نیمه‌سوخته و در حال سوختن بودند. وضعیت بسیار بدی بود. هیچ‌وقت یادم نمی‌رود. بعد پلیس و گارد ضدشورش آمد و مردم را عقب زد. همان زمان به آقای عابدزاده تلفن کردم که جواب‌گو نبود؛ اما حدود ظهر جواب من را داد. از آنجا به بهشت‌زهر رفتیم. یادم می‌آید گفتند به پزشکی قانونی محل باید برویم. به پزشکی قانونی شهریار رفتیم که گفتند به باید به کهریزک بروید. در همه این مراحل، دیدم همه می‌خواهند کمک کنند. ندیدم کسی نخواهد کمکی کند. پزشک‌ها، اورژانس و راننده‌ها همه کمک می‌کردند. شاید باورتان نشود، همان صبح با آقای آخوندی صحبت کردم؛ ایشان الان در وزارت راه نیست. به ایشان گفتم برخی علائم نشان می‌دهد موشک است که ایشان گفت امکان ندارد. در همه این مراحل، خلوص را دیدم. نکته دیگر اینکه پیش از این با چنین مسئله‌ای به این صورت مواجه نشده بودیم. البته در جنگ ایران و عراق چند مسئله در منطقه و نزدیکی تهران به وجود آمده بود که آن زمان به دلیل اینکه مسئله جنگ بر همه فعالیت‌های کشور تسلط داشت، این مسائل خیلی مطرح نشد. بعد انسانی این مسئله بسیار بیشتر بود. بیشتر کسانی که در این هوایم‌ایا بودند، جوانانی بودند که دنبال آینده بهتر و تحصیلات می‌رفتند. کسانی هم منتظر بودند که خبر نشستن هوایم‌ایا را بشنوند؛ بنابراین جریان رسانه‌ای آنها بیشتر از بقیه قشرهای مردم است. افرادی که در این هوایم‌ایا بودند، دوستان و نزدیکانی داشتند که دستشان به رسانه‌ها می‌رسید و کسانی بودند که اطلاع‌رسانی می‌کردند.

نکته سوم اینکه کلا مسائل در کشور و جهان به این صورت است که باید به مردم توضیح داد؛ یعنی صراحت و شفافیت، بخشی جدی در همه بخش‌های جامعه است؛ به‌ویژه بخش رابطه دولت و ملت که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. نمی‌توانیم کاری کنیم که مشخص نشود و به همین دلیل از کسانی که مسئولیت می‌پذیرند، بیشتر باید تقدیر شود. در گذشته می‌توانستند مسئولیتی داشته باشند و با مردم کاری نداشته باشند؛ مثل مهندسی که در خط لوله مسئولیتش این است که گاز در لوله یخ نزند و نیازی نیست با مردم عادی روبه‌رو شود؛ اما الان کسانی که در سیاست خارجی، پزشکی و... هستند، باید با مردم روبه‌رو شوند. در تاریخ خوانده‌ایم که برخی از مسئولان و پادشاهان را کسی نمی‌دید و ملازم صحبت‌ها را انتقال می‌داد.

❖ اگر ظهر چهارشنبه جمهوری اسلامی مسئولیت ساقط کردن هوایم‌ایا را بر عهده می‌گرفت، تفاوت زیادی بین افکار عمومی و جامعه ایجاد می‌شد؟ بله خیلی زیاد. فراموش نکنید در هر موضوعی، کسی که در وسط حادثه است، باید تصمیم بگیرد. شاید برخی موضوعات برای رسیدن به نتیجه بهتر و بهینه، کمی دیرتر به ذهن بیاید؛ اما این به آن معنا نیست که مسئولیت‌ها را لوٹ کنیم و بگوییم ایرادی به کار آن فرد نیست. گاهی شما زمان تصادف به‌شدت دنبال این هستید که شماره تلفنی را پیدا کنید، بعد یادتان می‌افتد که در جیبتان بوده است؛ اما به نظر هیچ‌کدام از اینها، مسئولیت مدنی دولت را عقب نمی‌اندازد.

❖ به سیاست خارجی برگردیم. در حال از دست دادن برجام هستیم؟ از اردیبهشت کام‌های کاهش تعهدات هسته‌ای به تناوب دو ماه برداشته شد و در دی‌ماه آخرین کام برداشته شد و تقریباً اکنون هیچ محدودیتی نداریم. شما فکر می‌کنید چیزی از برجام مانده است؟ برنامه جامع اقدام مشترک همان‌طور که از نامش معلوم است، یک برنامه بود. این یک موافقت‌نامه یا پیمان و عهدنامه نبود. به این معنا نیست که زحمات و خدمات بخش‌هایی که این کار را کرده‌اند،

وزیر کشور نمی‌توانیم به آنها اجازه عبور ندهیم. یا در مورد افغان‌ها یا مسئله دیگری ارامنه با آذری‌ها در قضیه قره‌باغ نیز میزبان افراد زیادی از کشورهای دیگر بودیم. اگر ما با اتباع کشورهای دیگر این‌طور رفتار می‌کنیم، باید ببینیم چقدر با مردم خودمان درست رفتار کرده‌ایم. نکته سوم اینکه در هر جای دنیا، وقتی پدیده‌ای اتفاق می‌افتد، بازیگران صحنه بین‌المللی دنبال پیشینه‌کردن منافع ملی خودشان هستند. به نظر در این موضوع، روان‌کاوی، ارزیابی و آنالیز رفتار آقای ترودو، نخست‌وزیر کانادا، اهمیت بسیاری دارد. چرا باید نخست‌وزیر کشور دیگری نسبت به اتباع کشور دیگر این‌قدر حمایت و همدردی نشان بدهد و هر روز به یکی از خانواده‌ها سر بزند؟

❖ آنالیز شما از شخصیت و تحلیل رفتارش چیست؟

به نظر این کار نشان می‌دهد در صحنه روابط بین‌الملل چه موضوعاتی اولویت دارد و چه موضوعاتی باعث می‌شود شما، حزب و کشورتان بیشتر مورد علاقه مردم خودتان و دیگر کشورها قرار بگیرید. به نظر من، کاری که دولت کانادا می‌کند، با کاری که قبلاً می‌کرد، تفاوت بسیاری دارد. زمانی من در بوستون بودم، کاردار ما در اوتاوا تماس گرفت و گفت مدیرکل وزارت خارجه کانادا آمده و بیرون سفارت راه می‌رود و منتظر است در سفارت باز شود. زمانی بود که حزب دست‌راستی در کانادا سر کار بود. وقتی ساعت باز شدن در سفارت رسید، بلافاصله نامه قطع روابطشان را داد و خیلی خیلی به مردم ایران ضرر وارد شد. یادم می‌آید آن زمان ۱۵۰ هزار ایرانی مسائلی در بانک‌ها و جاهای دیگر داشتند. نخست‌وزیرشان هم همان ساعت در مسکو و در مصاحبه‌ای، قطع روابط را اعلام کرد. الان هم برخی از صاحب‌نظران و دانش‌گاہیان ایرانی در کانادا به دولت کانادا پیشنهاد داده‌اند روابط کنسولی محدودی را با ایران شروع کند؛ چون ایرانی‌های زیادی آنجا هستند. دولت کانادا این را قبول نمی‌کند؛ اما به صورت مشخص برای تسلیت به هر خانواده می‌رود. نمی‌خواهم نتیجه بگیرم چقدر خوب هستند یا بد، می‌خواهم نتیجه بگیرم موضوعاتی مثل مسائل انسانی و محیط زیست، مسائلی است که باید خیلی به آنها توجه کرد.

❖ نکته تکرار شده این است که در دو دهه گذشته، رابطه ایران و کانادا بیشتر بر سر موضوع یک شهروند یا بحث اتباع، چندین نوبت دچار بحران شده؛ از ماجرای مرگ خانم زهرا کاظمی تا اتفاق ناگواری که برای دکتر کاووس سیدامامی رخ داد و الان هم بحث هوایم‌ای اوکراینی. از آنجا که شاید اتباع ایرانی در کانادا جایگاه مهمی دارند، آقای ترودو می‌داند چه کند که این جمعیت را جذب و حفظ کند؟

کاملاً درست است. ایرانی‌های کانادا از یک لحاظ تحصیل‌کرده و از لحاظ دیگر دارای تخصص و حرفه در بخش‌های تجارت و بازرگانی هستند و وضعیت اقتصادی خوبی دارند. اینها می‌توانند پشتیبانان و حمایت‌کننده‌های ایران و مسائل ایران در آمریکای شمالی باشند؛ مثل کاری که اتباع هندی در خارج از کشورشان انجام می‌دهند یا در سازمان‌های بین‌المللی افراد زیادی از اروپای شمالی داریم که طبیعی است در عین حال که کارشان را به صورت مستقل انجام می‌دهند، منافع کشورشان را هم پیش می‌برند و این در همه جای دنیا هست. نکته آخر اینکه در تاریخ، ما سردمدار این کار بوده‌ایم. بعضی جاهای دنیا که می‌روید، می‌بینید فقط یک ایرانی به تنهایی جایی رفته و باعث تحولات بزرگی در آنجا شده است؛ مثلاً با تجربه کمی که داریم، در شبه‌جزیره بالکان برخی ایرانی‌ها هستند و کروات‌ها خودشان را ایرانی می‌دانند. در چین یا داغستان روسیه، این‌کوش و جاهای دیگر نیز می‌بینید فرهنگ ایرانی وجود دارد؛ چون ایرانی‌ها آنجا حضور دارند. در بانکوک مزاری به نام شیخ احمد قمی هست که فردی درستکار و احتمالاً تاجر بوده و مراتب علمی هم داشته و با مردم درست رفتار می‌کرده و جالب است بودایی‌ها هم به مزار ایشان می‌روند و به نوعی به ایشان اعتقاد دارند. در تانزانیا و زنگبار هم نمازی‌ها از شیراز رفته بودند و اولین حمام را آنجا ساخته‌اند. در سودان و مصر نیز چنین مواردی هست. اگر یکی از دوستان یا دانشجویان به من بگویند از ایران می‌روم، سرزنش نمی‌کنم؛ چون مهاجرت و سفر، موضوعاتی است که در اندیشه ایرانی و اسلامی به آن بهای بسیاری داده شده است. وقتی در خارج از کشور هستید، هر چیز جدید و زیبایی که می‌بینید، بلافاصله



رفتار آقای ترودو نشان می‌دهد در صحنه روابط بین‌الملل چه موضوعاتی اولویت دارد و چه موضوعاتی باعث می‌شود شما، حزب و کشورتان بیشتر مورد علاقه مردم خودتان و دیگر کشورها قرار بگیرید.

الان برخی از صاحب‌نظران ایرانی به دولت کانادا پیشنهاد داده‌اند روابط کنسولی محدودی را با ایران شروع کند؛ چون ایرانی‌های زیادی آنجا هستند. دولت کانادا این را قبول نمی‌کند؛ اما به صورت مشخص برای تسلیت به هر خانواده می‌رود

کم است؛ بدون هیچ تردیدی و در مهم‌ترین بخش، باید یاد کنیم از زحمات شبانه‌روزی دکتر ظریف؛ اما هر طرفی تا اندازه‌ای ظرفیت دارد و ظرفیت برجام نیز این بود. به نظر من ایران باید طرفی باشد که از برجام خارج نشود. من با خروج از ان پی تی (پیمان عدم گسترش سلاح هسته‌ای) و برجام مخالف هستم؛ اما به صورت موازی باید در کنار برجام مسیر دیگری را نیز باز کنیم. اتفاقاً در سیاست‌گذاری عمومی، جریان‌های چندگانه تنوری خیلی معروفی است.

نظر من این است که چه عیبی دارد پرنس چارلز از ایران بازدید کند؟ یا جریان‌های دیگری را با آلمان‌ها شروع کنیم؟ این اتفاق‌ها سال‌ها امید و آرزوی ایرانی‌ها بوده است. هیچ کشوری به اندازه ایران با فناوری، تکنولوژی و علم آلمانی نزدیک نبوده است. ما باید اولین دانشگاه مشترک ایران و آلمان را راه

می‌انداختیم. یا ایران با فرانسه سال‌ها رابطه داشته‌اند؛ از دوره آق‌قویونلوها. ممکن است شما بگویید ما می‌خواهیم کار کنیم و آنها نمی‌خواهند. این به مسئله رفتاری کشورها برمی‌گردد که مثل رفتار انسان‌هاست. شما گاهی می‌توانید کسی را جذب کنید و گاهی نمی‌توانید. یکی از دلایل موفق نشدن، می‌تواند این باشد که روش درستی را انتخاب نکرده‌اید. کسی نمی‌تواند ادعا کند که آنها با ما خوب رفتار کرده‌اند. هیچ کشوری قدر ایران را ندانست. شاید حدود هزار بازیگر بین‌المللی، ۲۰۰ کشور، سازمان‌های بین‌المللی، افراد و «ان‌جی‌او»ها و رسانه‌ها را داریم؛ جالب است ایران در این میان، تنهایی استراتژیک دارد؛ اما قرار نبود این تنهایی به این معنا باشد که با تمام دنیا دعوا کنیم. ما خوبی می‌کنیم و اگر جوابمان را دادند، ادامه می‌دهیم؛ وگرنه با دیگری وارد رابطه می‌شویم. وقتی وارد این فاز با کشورهای دیگر می‌شوید، می‌بینید چقدر فرصت برای ایران هست. تا حالا نبوده در جایی با کسی گفت‌وگو کنم که وقتی می‌گویم ایران، یک دفعه برانگیخته نشود که ایران چه جای خوبی است. در روابط بین‌الملل مهم است که شما چه روشی داشته باشید.

به نظر من برجام دیگر ظرفیت ندارد؛ اما به این معنا نیست که با کشورها کار نکنیم. اتفاقاً کشورهای جدید، بزرگ‌تر از اندازه خود نقش دارند. ترکیه، قطر، عمان و کشورهای تازه به اتحادیه اروپا پیوسته‌ای مثل بلغارستان و مجارستان، بعضی‌ها دولت‌های دست‌راستی دارند؛ اما به‌طور کلی کشورهایی هستند که نمی‌توان فراموششان کرد.

این فرمایش شما که می‌شود مسیرهای موازی را با کشورهای دیگر دنبال کرد، دلگرم‌کننده است؛ اما خیلی‌ها در سیاست خارجی ایران وقتی می‌خواهند طرح یا فکری را مطرح کنند، همه چیز را گره زده به واشنگتن و رابطه تهران- واشنگتن می‌بینند؛ به‌ویژه به دلیل تحریم‌ها و فضا سازی‌ای که انجام می‌شود. به نظر من می‌توانیم بدون حل مسئله با واشنگتن، به ریزنی و ایجاد رابطه مثبت با دیگر کشورها بپردازیم؟

نیویورک از واشنگتن مهم‌تر است. ای‌کاش در واشنگتن و نیویورک نمایندگانی داشتیم که وظیفه‌شان این بود که تا می‌توانند با نمایندگان کنگره صحبت کنند که ایران را ببینند، شهرهای ایران را ببینند؛ اصلاً چرا شهرهای ایران، حتی کویرها و آسمان ایران را هم ببینند، کافی است. باین حال، همان‌طور که گفتید، به نظر من آمریکای فعلی، ابرقدرت بعد از جنگ جهانی دوم و سال‌های دهه ۱۹۶۰ و ۷۰ میلادی نیست. آقای استفن والد و بقیه کتاب‌هایی دارند که افول آمریکا را گوشزد می‌کنند. البته به روابط ایران و

به نظر من ایران باید طرفی باشد که از برجام خارج نشود. من با خروج از ان پی تی (پیمان عدم گسترش سلاح هسته‌ای) و برجام مخالف هستم؛ اما به صورت موازی باید در کنار برجام مسیر دیگری را نیز باز کنیم. اتفاقاً در سیاست‌گذاری عمومی، جریان‌های چندگانه تنوری خیلی معروفی است. نظر من این است که چه عیبی دارد پرنس چارلز از ایران بازدید کند؟ یا جریان‌های دیگری را با آلمان‌ها شروع کنیم؟ این اتفاق‌ها سال‌ها امید و آرزوی ایرانی‌ها بوده است



آمریکا خوش‌بین هستم و به نظر من بالاخره این روابط درست می‌شود.

چطور؟

اگر شما در کالیفرنیا باشید، بیشتر احساس می‌کنید در تهران هستید تا در شهری اروپایی. میان مردم آمریکا، نفرتی را که در مسئولان‌شان هست، نمی‌بینیم؛ اما مسئله اساسی این است که چرا سفیر ما در لندن که دوست من هم هست، به مجلس عوام نمی‌رود که مثلاً هدیه ببرد، صحبت کند و ارتباط برقرار کند؛ مثلاً از آنها برای دیدن بقایای شرکت زیگلر که شرکت اولیه فرش در اراک بود، دعوت کند یا اسب ترکمنی را نشان دهد، معماری‌ها را نشان دهد. یا در فرانسه چرا دوست عزیزم این کار را نمی‌کند؟ چرا مصاحبه نمی‌کنند؟ چرا کنفرانسی آنجا برگزار نمی‌کنند؟ چرا یک بار سفیر محترم در آلمان با تتمه فرش فروشان دیدار نمی‌کند؟ البته سفرای فعالی هم در این زمینه داشته‌ایم؛ مثلاً دکتر سنایی در روسیه که زبان روسی می‌دانست.

خوش‌بینی شما به رابطه ایران و آمریکا با نگاه کوتاه‌مدت است یا بلندمدت؟

مثالی می‌زنم؛ هندی‌ها در بلوک شرق بودند و حزب خانم گاندی هم حزب سوسیالیستی بود و برخی از ایالت‌های هند نیز از سوی احزاب کمونیستی اداره می‌شد، مثل کلکته که تا چند سال قبل خیلی مهم بود؛ اما در دوره‌ای به تدریج به این نتیجه رسیدند که باید با تمام دنیا روابط نزدیکی داشته باشند و فعالیت‌های علمی هم داشتند.

بالاخره در سال ۱۹۹۸ هندی‌ها سلاح هسته‌ای‌شان را آزمایش کردند؛ بلافاصله آمریکا هند را تحریم کرد، ولی هند به قدری با تمام دنیا روابط وسیعی داشت که در سال ۲۰۰۱، آمریکا و هند پیمان استراتژیک همکاری علمی، تکنولوژیک، سیاسی و اقتصادی امضا کردند و الان اگر به آمریکا بروید، در اکثریت قریب به اتفاق لابراتوارها و دانشگاه‌های آن، هندی‌ها سرآمد هستند و روابط بسیار نزدیکی دارند. تنها قریبه‌ای که برای ایران می‌بینم، همین است. در هر دانشگاهی، به خصوص در آمریکا بروید، یکی، دو ایرانی سرآمد در گروه‌ها هستند؛ نه به اندازه هند، به اندازه خودمان. ایرانی‌های کمی هستند که در آمریکای شمالی شغل‌هایی با درآمد کم داشته باشند. بنابراین زیرساخت‌های این کار فراهم است. مسئله واشنگتن و دولت راست‌گرای آقای ترامپ، بالاخره حل می‌شود؛ به این دلیل که برخی از کارهایشان نه تنها به منافع ملی ایران سازگار نیست، بلکه به منافع ملی خودشان نیز سازگاری ندارد و به نظر من در آینده نزدیک مشخص خواهد شد. ما باید چند کار کنیم؛ اول از همه صبور باشیم و کار را رها نکنیم و کار را با بقیه کشورها جلو ببریم. از در راه ندادن، از پنجره داخل شویم. قضیه خیلی جدی است. دوره‌ای درباره کشورهای آفریقایی به شدت فعال بودیم و الان نیستیم. کارهایی را که در منطقه باید انجام بدهیم، نباید فراموش کنیم. به نظر من آمریکا منحصر به دولت یا شخص ترامپ است؛ آنجا ارکان دیگری هم دارد مثل مطبوعات، روشنفکران، دانشگاهیان و صنایع.

در بخش صنعت هم مسئله انرژی مطرح می‌شود. با تمام مشکلاتی که برای ایران پیش آمده، بازم یکی از جذاب‌ترین نقاط برای سرمایه‌گذاری نفت و گاز است؛ به شرطی که ما هم مقدمات را درست کنیم. مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوبه‌ای برای قانون تشویق سرمایه‌گذاری خارجی دارد که به نظر من مبانی خوبی است. من هم می‌دانم وضعیت چطور است؛ اما اجازه دهید خوش‌بین بمانم.

درباره هند که مثال زدید، برخی معتقدند ما در سیاست خارجی ایدئولوژی را

بیشتر از سیاست خارجی اولویت قرار داده‌ایم. سیاست خارجی‌ای که شاید هند یا کشور دیگری که دنبال می‌کند، نگاه ایدئولوژیک نداشته، درحالی‌که ما این نگاه را داریم.

برای کسانی که نمی‌توانند سیاست خارجی ایران را درست تحلیل کنند، راحت‌ترین راه این است که بگویند سیاست خارجی



۱۷ شهریور برسیم که بتوانیم مردم را تهییج کنیم که به خیابان‌ها بیایند؛ بنابراین وقت هست. دوم اینکه ما به متخصصانی نیاز داریم که کشور را بگردانند، شما بروید. دوستم رفت؛ اما من نرفتم. انقطاعی که شما می‌گویید شاید به این دلیل بود که انقلاب ایران خیلی سریع رخ داد؛ شاید باید بیشتر طول می‌کشید. از اول صحبت‌مان از دولت صحبت کردیم. درحالی‌که باید درباره مردم و خودمان هم صحبت کنیم. ما هم جاهایی کمبودها و نواقصی داریم. اگر فقط انتقادها به نظام یا سیستم و دولت را ببینیم، دچار اشکال می‌شویم. تغییر بنیادین و فرهنگی مردم کاری است که همه امیدوار بودند در انقلاب انجام شود که کم‌وبیش هم انجام شد.

❖ از اوایل مذاکرات، همیشه درباره اهمیت توافق که مطرح شد، صحبت کردید و همیشه هم گفته‌اید که برجام و توافق همین قدر ظرفیت دارد.

اگر الان به نمای پیش‌رو نگاه کنیم، بالاخره یک روز باید این مشکل حل شود؛ آیا در تابستانی که گذشت فرصت را برای مذاکره با ترامپ از دست دادیم؟ به‌عنوان یک آینده‌پژوه، اگر قرار است روز دیگری مسئله ایران و آمریکا حل شود، باید دنبال چه چیزی باشیم؟

اگر بخواهیم دوباره مذاکرات را شروع کنیم، چند پیش‌نیاز احتیاج داریم؛ اول اینکه حتماً افراد یا مؤسسات و مراکزی درست کنیم که بتوانند با کسانی که در آمریکا مؤثر هستند، اعم از نمایندگان کنگره، رسانه‌ها، دانشگاهیان و نخچیانان، تماس بگیرند و به آنها نزدیک شوند و آنها را با واقعیت‌های جامعه ایران آشنا کنند. دوم اینکه باید به‌نوعی در مسائل منطقه، به‌خصوص خاورمیانه و نقاطی که به نفع منافع ملی ایران است، به آمریکایی‌ها اطمینان دهیم که نمی‌خواهیم با آنها سر جنگ داشته باشیم. مثلاً داعش مسئله‌ای بود که با هم مشترک بودیم یا طالبان. در کنفرانس بن سال ۲۰۰۱ و ادامه‌اش در ۲۰۰۲ هم واقعاً همکاری ایران بی‌نظیر بود؛ اوچه دولت بوش خرابش کرد؛ اما همیشه این‌طور نیست، ممکن است مثل دوره اوباما متوجه کار ایران شوند. پس می‌توان از دشمنی‌های بی‌مورد کسان دیگر کاست.

به‌نظم ۱۰ سال نیاز داریم از ۱۴۰۰ تا ۱۴۱۰ که به خودمان برسیم و وضعیت علمی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را درست کنیم. این مسائل باعث مشکلات زیادی می‌شود. نمی‌شود بدون هیچ مشکلی زندگی کنید. اگر در تهران زندگی کنید، مسکن، خرید یخچال، تعمیر ماشین رختشویی، رفت‌وآمد و... مواردی هستند که در گذشته به راحتی انجام می‌شدند؛ اما الان واقعاً اگر حتی پول هم داشته باشید، نمی‌توانید این کارها را انجام دهید. چطور شد که این قدر گره در کارها افتاده است؟ این مربوط به داخل خودمان می‌شود که باید درست کنیم. باید تصدی‌گری دولت کم شود. به‌نظم کشورها مثل انسان‌ها هستند، همیشه عصبانی و قهر نیستند. فقط صبر نیاز است؛ همان چیزی که در گفته‌های بزرگان بوده و در فرهنگ ایرانی هم به صبر توصیه شده است.

❖ تابستان ۹۸ فرصت مناسب مذاکره را از دست ندادیم؟ خیر؛ وقتی آمریکا در سال ۱۹۹۲ تصمیم گرفت به عراق حمله کند، مذاکراتی بین طارق عزیز و جیمز بیکر بود. طارق عزیز می‌گوید آمریکا در رسانه‌ها گفت حاضریم مذاکره کنیم و مشکلات را حل کنیم. همان زمانی که خودشان را آماده کرده بودند که مشکلاتشان را با روش دیگری حل کنند، در ژنو آقای بیکر با من دست داد و وقتی خبرنگاران از اتاق بیرون رفتند، پرونده‌اش را بست و بدون خداحافظی با من رفت. این یک کار تخصصی است. ایران، عراق نیست و آقای ظریف که طارق عزیز نیست. آقای ظریف کسی است که بیشترین زمان وزیر خارجه کشوری مثل آمریکا را در یک شهر و یک هتل نگه داشته تا به توافق برسند. آنها بخشی از رسانه‌ها را دارند و همه حرفشان راست نیست؛ اما دلیل نمی‌شود آنها را پس بزنیم. آمادگی داریم کار را جلو ببریم؛ اما گاهی باید بگوییم پشت پرده چه می‌گذرد. به‌نظم امسال آقای ترامپ خیال مذاکره نداشت و می‌خواست حداکثر ۱۲ شرط آقای پمپئو را کسی برای ما بخواند که معلوم بود به نفع کشور نبود؛ اما همیشه این‌طور نیست. ایران و تمدن ایرانی در شیب پایین بوده و مطمئناً مثل ققنوس دوباره بلند خواهد شد.

همان جریان‌های موازی اینجا هم هست؛ هم مقاومت و هم مذاکره. در جاهایی باید مقاومت کرد. برخی از حملاتی که اسرائیل به سوریه یا بخش‌هایی از عراق کرده هیچ منطقی جز اینکه آمریکا و اسرائیل دنبال این هستند که این دو کشور سامان نگیرند، ندارد. آنجا باید مقاومت کرد. جاهایی هم باید مذاکره کرد. با دولت عراق، لبنان و سوریه مذاکره می‌کنیم. به دولت عربستان هم گفتیم؛ خب ما اشتباه کردیم. اما ما در آتش‌زدن سفارت عربستان اشتباه کردیم باید همان روز اول عذرخواهی می‌کردیم



گفت به آقای خاتمی بگو من آن دنیا جلوی جدت جلوی تو را می‌گیرم، تو به ما کمک نکردی؛ چون مصلحت کشور در آن دوره این بود که در این زمینه دخالت نکنیم و واقعاً نمی‌دانستیم قضیه چقدر به چه سمتی می‌رود. در مسجد بامی در هند اعتراض کردیم؛ اما یک بار دیگر اتفاقی در هند افتاد که ایران اعتراض نکرد. نمی‌خواهم بگویم اسلام در سیاست خارجی ما نقشی ندارد، اتفاقاً من مقاله‌ای درباره سیاست خارجی اسلام دارم؛ اما اسلام به معنای درست و عقلایی‌اش که منافع ملی کشور ما باید حتماً در نظر گرفته شود. در بوسنی زمانی به مسلمانان کمک می‌کردیم و الان نمی‌توانیم کمک زیادی داشته باشیم. این‌طور نیست که از اسلام دور شده باشیم. کسانی که در قانون اساسی مشخص شده منافع ملی کشور را تشخیص دهند، مشخص می‌کنند چه زمانی باید چه کار کرد.

❖ شاید بهتر است این بحث را محدود کنیم به ایدئولوژی‌ها یا ارزش‌هایی که جمهوری اسلامی را معنا می‌دهد؛ مثلاً همین الان پس از شهادت سردار سلیمانی مبحث دوگانه مقاومت - مذاکره تشدید شده است. بیایید بحث درباره این دوگانه کانالیزه کنیم. آیا این دوگانه ما را به نتیجه می‌رساند؟

به‌نظم من، همان جریان‌های موازی اینجا هم هست؛ هم مقاومت و هم مذاکره. در جاهایی باید مقاومت کرد. برخی از حملاتی که اسرائیل به سوریه یا بخش‌هایی از عراق کرده و حملات عراق، هرطور که حساب کنیم، هیچ منطقی جز اینکه آمریکا و اسرائیل دنبال این هستند که این دو کشور سامان نگیرند، ندارد. واقعاً این‌طور است. آنجا باید مقاومت کرد.

باین‌حال، جاهایی هم باید مذاکره کرد. با دولت عراق، لبنان و سوریه مذاکره می‌کنیم. به دولت عربستان هم گفتیم؛ خب ما اشتباه کردیم. نمی‌خواهم تقصیر را گردن کسی بیندازم؛ اما ما در آتش‌زدن سفارت عربستان اشتباه کردیم و شاید الان که متوجه این اشتباه شده‌ایم، می‌دانیم که باید همان روز اول عذرخواهی می‌کردیم. درباره سفارت انگلستان نیز آقای دکتر صالحی که آن زمان وزیر بودند، گفتند همان روز اول عذرخواهی کردم. درباره سفارت آمریکا هم همین‌طور. آقای ابراهیم اصغرزاده و دیگران چطور تصمیم گرفتند این کار را انجام دهند؟ من آن زمان خیلی جوان و خام بودم؛ اما متوجه می‌شدم این کار اشتباه است. اتفاقاً یکی از بزرگ‌ترین سعادت‌هایم این است که با افراد خیلی آگاه نزدیک بودم. آقای مهدوی‌کنی، پشت بیستم گفتند جلوی این افراد را بگیرد و در مصاحبه خود هم گفته‌اند که مخالف هستم. من در دانشگاه صنعتی شریف درس می‌خواندم، سال ۵۶ شاه دستور داد این دانشگاه به اصفهان برود و دانشگاه صنعتی اصفهان را ساختند. دانشگاه به ما گفت می‌توانید از هر دانشگاهی در خارج از کشور پذیرش بگیرید. یکی از دوستانم برای من و خودش از دانشگاه استنفورد پذیرش گرفت. من روز آخر تردید داشتم. سال ۵۶ بود و می‌دیدم تحولاتی در ایران رخ می‌دهد تا ۱۷ شهریور سال ۵۷ ماندیم؛ می‌خواستند پدرم و عده‌ای از روحانیون تهران از جمله دکتر بهشتی را دستگیر کنند که مخفی شدند. به دوستم گفتم نزد ایشان برویم و ببرسیم. من گفتم آقا من می‌گویم بمانیم، مبارزت در حال رسیدن به جایی است و دوستم می‌گوید برویم درس بخوانیم. ایشان گفتند چه درسی می‌خوانید؟ گفتم من مکانیک و دوستم شیمی که روی هم رفته هشت سال طول می‌کشد. ایشان دستی به ریششان کشیدند و گفتند شما بروید؛ اولاً با این ضربه‌ای که رژیم به مردم در ۱۷ شهریور زد، به‌نظم ۱۲ تا ۱۵ سال طول می‌کشد تا به روز قبل از